

تأثیر سه منبع قدرت در مدرسه روی اطاعت محض دانش آموزان*

حسن احدی^۱ - فرهاد ماهر^۲
یوسف کریمی^۳ - حسین فرش فروش^۴

چکیده

برای مقایسه تأثیر سه منبع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم) در مدرسه روی اطاعت محض دانش آموزان یک آزمایش میدانی روی نمونه ۶۶۰ نفری از جامعه دانش آموزان مناطق بیستگانه آموزش و پرورش شهر تهران اجرا شد. ابتدا منابع قدرت، هر کدام به دوروش کتبی و شفاهی از آزمودنی‌ها خواستند فعالیتی ثابت که ضد اخلاقی نبوده و تا اندازه‌ای غیرعادی باشد را انجام دهند. سپس آزمایشگر رفتار آزمودنی‌ها را پس از اعلام دستور مشاهده و ثبت کرد. آزمودنی‌ها از نظر هر فعالیتی که پس از دریافت تقاضا انجام دادند، مورد پرسش پایانی قرار گرفتند. پس از

*- این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران است.

۱- استاد دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۳- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۴- دانش‌آموخته دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

استخراج داده‌ها و اعمال روشهای آماری توصیفی و استنباطی (استفاده از آزمون معناداری تفاوت بین دو نسبت مستقل) نتایج زیر به دست آمد:

۱) بین رفتار اطاعت محض در دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. این تفاوت به دلیل مقام منبع قدرت در مدرسه است، به صورتی که هر چه مقام فرد بالاتر باشد، اثر بیشتری در اطاعت دانش‌آموزان داشته است.
 ۲) جایگاه منابع قدرت در رفتار اطاعت محض جنس‌های مختلف اثری نداشته است. پسرها از رفتار تمرد بیشتری برخوردار بوده‌اند اما این میزان معنادار نبوده است ($P > 0/05$).

۳) دستورات کتبی به طور معناداری ($P < 0/05$) نسبت به دستورات شفاهی رفتار اطاعت افراد را برانگیخته ساخته‌اند. میزان تمرد از دستورات شفاهی نیز به صورتی معنادار ($P < 0/05$) بیشتر از دستورات کتبی بوده است.

۴) کتبی بودن یا شفاهی بودن درخواست اثر معناداری در جنس‌های مختلف نداشته است ($P > 0/05$).

۵) رفتار اطاعت محض در مقاطع بالاتر کاهش معناداری ($P < 0/05$) داشت. این تفاوت در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی با راهنمایی و دبیرستان بسیار بیشتر از تفاوت بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی با دبیرستان بوده است.

کلید واژه‌ها: منابع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم)، روشهای ارائه دستور یا تقاضا (دستور کتبی، دستور شفاهی)، رفتار اطاعت محض، پاسخهای شفاهی.

مقدمه

انسانها با توجه به نقشهای فردی، اجتماعی و جنسیتی خود، تحت تأثیر عوامل فرهنگی و محیطی قرار می‌گیرند و علاوه بر تفاوت‌های زیستی که به دلیل عوامل وراثتی در آنها به وجود آمده، به دلیل وجود تفاوت در فرهنگ و محیط خود، تفاوت‌های زیادی در افکار، رفتار، عواطف و در نهایت تعامل خود با دیگران کسب می‌کنند (مایرز، ۱۹۸۸، ص ۲۴۲).
 تعامل بین انسانها از موضوعات مهم در روان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌رود. ارتباط بین افراد نیز، دارای محورهای مختلفی است. یکی از این محورها را می‌توان در

بحث اطاعت افراد از یکدیگر جست‌وجو کرد. اینکه آیا از چه کسانی باید اطاعت کرد؟ و چرا افراد به درجات متفاوتی تحت تأثیر یکدیگر هستند و بر دیگران اثر می‌گذارند، سالهاست که توجه محققان روان‌شناسی اجتماعی را به خود جلب نموده است. در این راستا، مطالعات مختلف نتایج جالبی را دربرداشته و حقایق بی‌شماری را به جامعه انسانی نشان داده‌اند (کریمی، ۱۳۸۰، صص ۱۴۱-۱۳۹).

از طرف دیگر مسأله اطاعت، در منظر نفوذ اجتماعی به‌عنوان یکی از روشهای مؤثر در تعامل شناخته شده است. هر تعاملی مستلزم اعمال قدری نفوذ اجتماعی است. حتی سطحی‌ترین برخوردها نیز اثر خود را، هر چند جزئی بر شرکت‌کنندگان بر جای می‌گذارند. به بیان دقیق‌تر، هر عقیده‌ای که اظهار می‌داریم، هر خواهشی که می‌کنیم و هر رفتاری که در قبال دیگری انجام می‌دهیم به نحوی بر آن فرد تأثیر می‌نهد. البته اشکال بسیار نیرومند نفوذ اجتماعی وجود دارند که عمدتاً در گروه‌های بزرگتر روی می‌دهند (ارونسون^۱، ترجمه شکرکن، ص ۳۱۳).

شاید بتوان گفت نخستین روان‌شناس اجتماعی ارسطو است که انسان را حیوان اجتماعی نامید، و اصول اساسی نفوذ اجتماعی و متقاعدسازی را تنظیم کرد. جمله معروف او این است که: «ما گفتار نیکمردان را آسانتر و کاملتر از دیگران باور می‌کنیم» (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

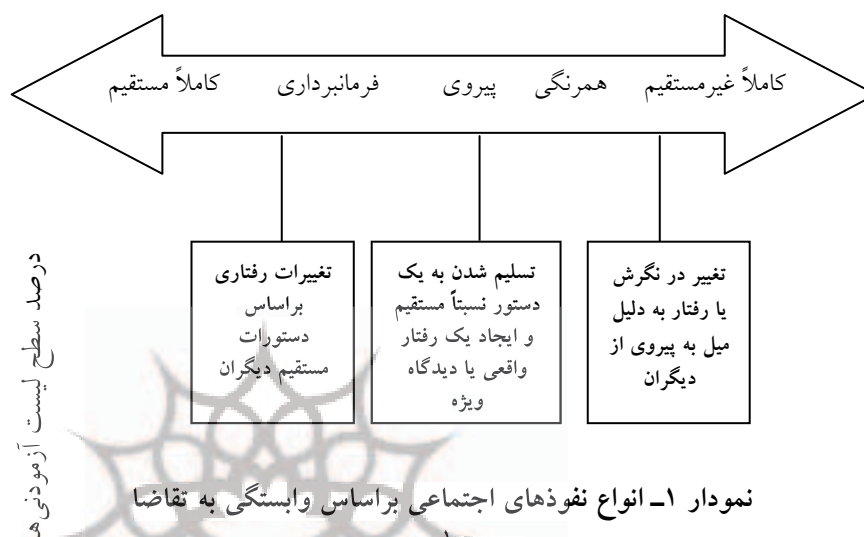
«برخی از روان‌شناسان از قدیم‌الایام معتقد بودند که معمولاً شخصی که دارای خصوصیات زیر است، استعداد رهبری دارد و در هر جمعی به مدیریت انتخاب خواهد شد و گروه تحت رهبری وی از او اطاعت خواهند کرد: ۱- معلومات عمومی، ۲- تناسب اندام، ۳- تربیت مناسب، ۴- زیرکی، ۵- ادب، ۶- عدالت، ۷- ثبات در رأی، ۸- استعداد حل مسأله و سازماندهی، ۹- استعداد برنامه‌ریزی، ۱۰- استعداد تفویض اختیار عاقلانه، ۱۱- استعداد تشویق و تحریک دیگران به فعالیت مؤثر، ۱۲- علاقه به مردم، بدین معنی که به حال دیگران دلسوز است و آماده کمک کردن به آنهاست، ۱۳- علم او نسبت به حرفه‌اش به اندازه کافی است، ۱۴- به آرمانها و ارزشهای زندگی مؤمن و وفادار است» (پورمقدس، ۱۳۶۷، ص ۲۳). مدیریت و رهبری یکی از جلوه‌های عملی نفوذ اجتماعی است که طی آن یک شخص دیگران را تحت نفوذ خود گرفته و رفتار آنان را هدایت می‌کند. در

اساس دو نظریه مهم در رهبری وجود دارد: یکی نظریه بزرگمرد که معتقد است رهبران دارای خصیصه‌های ذاتی و ویژه‌اند که آنان را بر دیگران مسلط می‌کند. اما تحقیقات مربوط به این حوزه نتوانسته است خصیصه منحصر به فردی که رهبر را از افراد عادی متمایز می‌کند، مشخص کند. نظریه دوم، نظریه روح زمان یا جبر اجتماعی است که بر طبق آن در هر دوره‌ای عوامل و زمینه اجتماعی خاصی وجود دارد که آفریننده رهبران بزرگ است و وقتی آن زمینه فراهم شود، پیدایش رهبر اجتناب‌ناپذیر است. با این همه، تحقیقات جدید نشان می‌دهد که برخی مجموعه‌های رفتاری، رهبران را از افراد عادی متمایز می‌کند که شامل سابق قوی برای قبول مسئولیت، پشتکار و پافشاری در تعقیب هدفها، تهور و ابتکار در حل مسائل، انگیزه برای ابتکار عمل در موقعیتهای اجتماعی، اعتماد به نفس و احساس هویت فردی، تمایل به پذیرفتن عواقب اعمال، توان نفوذ در دیگران، ظرفیت سازماندهی و نظایر آنها (کریمی، ۱۳۸۰، صص ۱۳۵ و ۱۳۶).

رفتار در مدرسه را می‌توان در نگاه کلی از رفتارهای موقعیتی تلقی کرد که عوامل اثرگذار اختصاصی برای آن وجود دارد. در نگاهی کلی دو دسته عامل بر رفتارهای دانش‌آموزان در مدارس اثرگذار هستند: ۱- سازمان، نقش و انتظارات، که بر روی هم بعد هنجاری فعالیت در یک نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ۲- فرد، شخصیت وی و گرایشهایش، که بر روی هم بعد شخصی فعالیت در یک نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهند. از این دیدگاه می‌توان نقش خاص دانش‌آموز را، مثلاً بدون در نظر گرفتن کودکان خاص مطالعه کرد (این بعد را می‌توان سطح تجزیه و تحلیل سازمانی [نهادی] یا جامعه‌شناختی تصور کرد) و یا می‌توان شخصیت یک کودک خاص را بدون در نظر گرفتن نقش ویژه دانش‌آموز مطالعه کرد (این بعد را می‌توان سطح تجزیه و تحلیل فردی یا روان‌شناختی در نظر گرفت). وقتی ما این دو بعد را به طور هماهنگ و متوازن مطالعه می‌کنیم یعنی به صورت متقابل با چیزی سر و کار داریم که می‌توان آن را به طور منحصر به فردی سطح تجزیه و تحلیل روان‌شناسی اجتماعی تصور کرد، هر چند تمایز میان این سه سطح در عمل به سختی و ثباتی نیست که به صورت طر حواره‌ای در اینجا به نظر می‌آید (گتزلر^۱ و همکاران، ۱۳۷۸، ترجمه کریمی، صص ۹-۱۰).

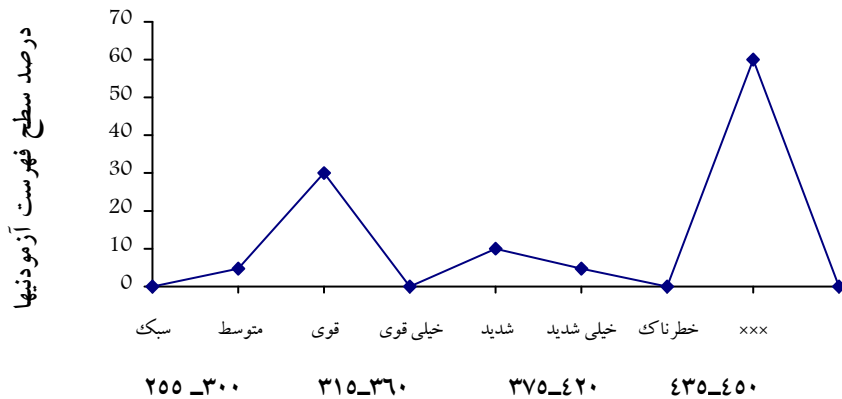
همان‌طور که ملاحظه شد، تحقیقات همواره احتمالات را مشخص می‌کنند. همچنین عوامل مؤثر بر اطاعت، علل آن و موارد زیادی که باید در این‌گونه مطالعات مدنظر قرار داد به‌طور اجمال ذکر شدند.

مواردی از این قبیل تحت موضوع کامل‌تری به نام نفوذ اجتماعی قرار می‌گیرند، نفوذ اجتماعی گستره‌ای از آثار افراد را بر یکدیگر، به صورت کاملاً غیرمستقیم تا کاملاً مستقیم، در برمی‌گیرد (نمودار ۱-۲):



نتایج آزمایش‌های انجام شده با موضوع اطاعت و فرمان‌برداری نشان داده‌اند که درصد بالایی از افراد شرکت‌کننده، بدون چون و چرا از دستورات اطاعت می‌کنند. معروفترین آزمایش را میلگرام انجام داده است. نتایج به دست آمده از این آزمایش به این شرح است: ۱- هیچ یک از آزمودنیها قبل از شوک ۳۰۰ ولت، یعنی هنگامی که آزمودنی با مشت به دیوار می‌کوبید، متوقف نشدند، یعنی ۱۰۰ درصد شرکت‌کنندگان تا مرحله ۳۰۰ ولت پیش رفتند. ۲- از مرحله شوک ۳۱۵ ولت تا ۳۶۰ ولت فقط ۸ نفر متوقف

شدند، یعنی ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان تا ۳۶۰ ولت پیش رفتند. ۳- یک نفر در مرحله دادن شوک ۳۷۵ ولت متوقف شد. ۴- در مجموع ۲۶ نفر از ۴۰ نفر، یعنی ۶۵ درصد افراد تا آخرین مرحله (دادن شوک ۴۵۰ ولت) کار را ادامه دادند (مایرز، ۱۹۸۸، ص ۲۴۴).



نمودار ۲- سطح شوک

پژوهش‌هایی نیز در محیط واقعی انجام گرفته است. هافلینگ^۱ و بیکن^۲ از موقعیت آزمایشگاهی کار را به موقعیت واقعی کشاندند. بیکن (۱۹۷۴) با کمک دستیارش به رهگذران خیابان بروکلین می‌گفت که: «این بابا بیش از زمان مقرر جلوی این پارکومتر پارک کرده، ولی پول خرد اضافی ندارد. یک سکه ده سنتی به او بده!» نتایج آزمایش مشخص کرد که یک سوم آزمودنی‌ها از تقاضای وی اطاعت کردند و وقتی دستیار آزمایشگر از لباس مخصوص پلیس استفاده کرد، میزان اطاعت به ۹۰ درصد رسید. این آزمایش نشان می‌دهد که گاهی کوچکترین نشانه‌های اقتدار نظیر عنوانها، لباسهای رسمی و نظایر آنها کافی است تا مردم عادی را به نوکرانی مطیع تبدیل کند (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

آزمایشهای مختلف نتایج علمی و کاربردی زیادی ارائه داده‌اند که خلاصه آن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

دو دلیل اصلی برای اطاعت وجود دارد. اولین دلیل را «سطحی» و دومی را «عمقی» می‌نامیم. این دلایل هر یک می‌توانند فرمانبرداری را تشریح کنند. دلیل سطحی

1 – Huffling

2 – Bikman

اطاعت ساده است؛ انسانها اغلب به کاری که می‌خواهند انجام دهند، فکر نمی‌کنند. در این حالت به نظر می‌رسد که افراد در خلال متقاعد شدن خود، احیا می‌شوند. همچنین مردم متفکرانی نظام‌یافته و قهرمان‌پرور هستند. اکثر آنها در مورد بیشتر کارهایی که می‌کنند، دقت و تمرکز ندارند. از این دیدگاه اطاعت رفتاری است با حداقل فکر و مقاومت. بسیار ساده می‌توان پذیرفت که آنچه منبع قدرت می‌داند، درست است و او است که می‌داند چه باید کرد و بهترین کار کدام است. پژوهش نیز نشان می‌دهد که افراد تنبل چگونه فکر می‌کنند. یگانه فکر آنها این است که از فکر دیگران اطاعت کنند و در زندگی روزمره خود از آنها استفاده کنند.

دلیل عمقی برای اطاعت، به حیات انسانها مربوط است. انسانها برای زندگی در دنیای بی‌رحم به سلاحهایی مجهز شده‌اند. ما قویترین، بزرگترین، سریع‌ترین و تواناترین مخلوقات این سیاره نیستیم. ما نمی‌توانیم به راحتی بسیاری از موجودات زنده در مکانهای سخت آب و هوایی زندگی کنیم. ما انسانها، اگر تنها باشیم، شانس خیلی کمی برای ادامه زندگی داریم. پس دلیل ساده، اما مهمی است که ما وقتی زنده می‌مانیم که در یک گروه اجتماعی، تنها نباشیم. هرگاه با هم باشیم می‌توانیم به کمک یکدیگر ابزارهای زیادی برای زیستن تولید کنیم. واضح است که هرگاه در گروههای پویا و پایدار حضور داشته باشیم، می‌توانیم هرکاری بکنیم. اکنون می‌توان اطاعت را از این دیدگاه بررسی کرد. یکی از راههای تأثیر گذاشتن بر گروه و یا در حقیقت نفوذ اجتماعی، اطاعت از سلسله‌مراتب قدرت است. اگر اطاعت متوقف شود، به احتمال زیاد گروه به آرامی سقوط کرده و نابود می‌شود (هاپر^۱ و راو^۲، ۱۹۹۶).

میلگرام پس از انجام آزمایش‌های خود موارد زیر را برای اطاعت مناسب پیشنهاد می‌کند:

- بیاموزید، فکر کنید و به‌طور مستقل عمل نمایید.
- وقتی به عنوان منبع قدرت شناخته می‌شوید، مراقب باشید.
- هدف منبع قدرت را از خودش سؤال کنید.
- به ادراک چگونگی تأثیر رفتارتان پردازید.
- هنگام اجرای دستور یا اطاعت از دیگران از حقانیت قدرت سؤال کنید.

- افراد به طور طبیعی هنگامی که با دستوری مواجه می‌شوند، باید از خود سؤال کنند که «آیا انجام عمل در ذاتشان وجود دارد؟» و لازم است به این سؤال این‌گونه پاسخ دهند که «ممکن است نتوانم.»

- نباید در انجام کاری که از شما خواسته شده، حتی اگر روشن و ساده باشد، با احساس خود رفتار کنید.

- براساس قواعد همنوایی هرگاه فرد در یک گروه قرار گیرد و با یک دستور خلاف اخلاق مخالفت کند، اگر تنها باشد، نادیده گرفته می‌شود، اما اگر در یک خرده گروه مخالف قرار گیرد، به دلیل نیاز به تأیید شدن از طرف دیگران، (حتی از طرف افراد خرده گروه)، به مخالفت خود ادامه خواهد داد.

مارشال^۱ (۲۰۰۲) نیز با مطالعات و پژوهش‌های زیاد در مورد اطاعت و انضباط در مدارس به این نتایج رسیده است: هرگاه قوانین پنهان می‌شوند، دانش‌آموزان به رفتارهای حاکی از ترس از منابع قدرت و عدم مقاومت در برابر آنها دست می‌زنند. دانش‌آموزان قوانین حاکم را باور ندارند. معلم‌ها و مدیران به‌خوبی نمی‌دانند که چه قوانینی را دانش‌آموزان زیر پا می‌گذارند.

هرگاه همکاری بین عاملان قدرت کاهش یابد، اطاعت نیز کم می‌شود. رفتارهای خاص و در حقیقت سلوک مشکل‌آفرین نادیده گرفته می‌شود. معلم‌ها بیشتر از منابع دیگر قدرت تمایل به نگرشهای کیفی دارند. قوانین در ایفای نقش مناسب لازم هستند، اما در روابط بین انسانها سازندگی ایجاد نمی‌کنند.

هرگاه قوانین نادیده گرفته شوند، روابط بین افراد توسعه یافته و تقویت می‌شوند. قوانین بیشتر از احساس مسئولیت به رفتارها نیرو و جهت می‌دهند و میزان اطاعت را افزایش می‌دهند.

هرگاه معیارهای رفتاری ملاک اطاعت قرار گیرند، بدون در نظر گرفتن قوانین و فواید معیارها، افراد اطاعت می‌کنند. مسائل اخلاقی از قوانین قویتر و مؤثرتر عمل می‌کنند. آموزش صحیح رفتار مؤثرتر از تقاضای اجرای دستور و پیروی از قوانین است (مارشال، ۲۰۰۲).

این مبانی نظری و تحقیقات نشان می‌دهد که مراجع یا منابع قدرت، می‌توانند به اشکال مختلفی رفتار افراد پیرامون را تحت تأثیر قرار دهند. شواهد نشان‌دهنده آن است که در ایران همانند کشورهای خارجی تحقیقاتی نسبتاً گسترده‌ای به‌ویژه بر روی دانش‌آموزان صورت پذیرفته است. به این لحاظ در این پژوهش تأثیر سه منبع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم) را بر رفتار اطاعت محض دانش‌آموزان در مدارس مناطق بیستگانه شهر تهران مورد بررسی قرار داده‌ایم. فرضیه‌های پژوهش به این شرح است:

- ۱- رفتار اطاعت محض از منابع مختلف قدرت در مدرسه متفاوت است.
- ۲- دختران و پسران در اطاعت از منابع قدرت تفاوت دارند.
- ۳- چگونگی ارائه دستور یا تقاضا تغییراتی در رفتار اطاعت محض تولید می‌کند.
- ۴- چگونگی ارائه دستور یا تقاضا روی اطاعت محض در دانش‌آموزان مقاطع مختلف اثرگذار است.
- ۵- چگونگی ارائه دستور یا تقاضا آثار متفاوتی در میزان رفتار اطاعت محض در دانش‌آموزان دختر و پسر دارد.
- ۶- افزایش سن عامل تغییر در میزان رفتار اطاعت محض است.
- ۷- عامل جنس در میزان اطاعت محض تفاوت ایجاد می‌کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به‌صورت آزمایش میدانی بود که در آن آزمایشگر از منابع قدرت می‌خواست که دستورات خود را به آزمودنیها ارائه دهند و سپس به‌صورت مشاهده‌گر عمل کرده و در جریان اجرای آزمایش حضور نامحسوس داشت و در پایان به مصاحبه با آزمودنی می‌پرداخت.

جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان مناطق بیستگانه آموزش و پرورش شهر تهران شاغل به تحصیل در سه مقطع تحصیلی در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ بوده‌اند.

برای نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه ۶۶۰ نفری^۱ در دو گروه جنسی و هر گروه در سه مقطع تحصیلی به‌طور تصادفی انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از روش ثابت استفاده شد. ابتدا نسبت ثابتی به‌عنوان نمونه‌ای واقعی در نظر گرفته شد (یک پنجم). سپس

۱- پس از اجرای آزمایش آزمودنی‌های کلاس اول و دوم ابتدایی حذف شدند و فرضیه‌ها روی نمونه ۵۴۰ نفری مورد آزمایش قرار گرفتند.

به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای، یک پنجم مناطق (۱۵، ۱۲، ۱۰، ۷ و ۳) و در ادامه یک پنجم مدارس به تفکیک مقاطع و جنس به صورت تصادفی مشخص گردیدند (۵ مدرسه از مقطع ابتدایی، ۳ مدرسه از مقطع راهنمایی و ۳ مدرسه از مقطع دبیرستان از دانش‌آموزان پسر و به همین تعداد از دانش‌آموزان دختر). در پایان برای یافتن نمونه هدف از هر سال تحصیلی ۱۵ نفر (حداقل افراد در یک تحقیق آزمایشی) از مدارس مختلف به صورت تصادفی انتخاب شدند.

جدول ۱- وضعیت گروههای انتخابی، مقاطع تحصیلی و روشهای تقاضا یا ارائه دستور

گروهها	روش تقاضا یا دستور		جمع آزمودنی‌ها
	مقاطع تحصیلی	کتبی شفاهی	
دختران	ابتدایی	۷۵ نفر	۱۵۰ نفر
	راهنمایی	۴۵ نفر	۹۰ نفر
	دبیرستان	۴۵ نفر	۹۰ نفر
پسران	ابتدایی	۷۵ نفر	۱۵۰ نفر
	راهنمایی	۴۵ نفر	۹۰ نفر
	دبیرستان	۴۵ نفر	۹۰ نفر

شیوه اجرا

مراحل مختلف آزمایش عبارت بود از:

- انتخاب جامعه و نمونه با استفاده از روشهای معرفی شده قبلی.
- توجیه منابع قدرت مدارس انتخاب شده در مورد پژوهش و ارائه پاکت چاوی دستور یا تقاضای کتبی و آموزش روش ارائه دستور یا تقاضای شفاهی.
- اعمال متغیرهای مستقل هنگام زنگ تفریح در مورد آزمودنیهای انتخاب شده در مرحله اول.
- مشاهده و ثبت رفتارهای آزمودنی‌ها پس از دریافت دستور یا تقاضای کتبی و شفاهی.

۵- مصاحبه شفاهی از آزمودنی‌ها و ثبت گفته‌های آنها.

۶- استخراج، توصیف و استنباط نتایج حاصل از آزمایش.

در این تحقیق در هر مدرسه (موقعیت آزمایشی) از سه منبع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم) و دو روش دستوردهی یا تقاضا (کتبی و شفاهی) به عنوان متغیرهای مستقل استفاده شد. در زنگ تفریح یکی از منابع قدرت با بلندگو و یا مستخدم مدرسه یک آزمودنی را فرا می‌خواند و دستور یا تقاضای کتبی یا شفاهی را به او می‌داد. آزمایشگر در این مرحله حضور نامحسوس داشت و کلیه رفتارهای آزمودنی را ثبت می‌کرد، سپس آزمودنی را فرا می‌خواند و با توضیح کوچک و ثابت در مورد همه آزمودنی‌ها مبنی بر اینکه کلاس چندم است و چرا این کار را انجام داده و یا انجام نداده است به آزمودنی می‌گفت که در یک آزمایش و پژوهش مدرسه‌ای شرکت داده شده است و پس از اخذ پاکت محتوی پول و دستور کتبی و یا پولی که هنگام دستور شفاهی به آزمودنی داده شده بود، آزمایش در مورد یک آزمودنی به پایان می‌رسید.^۱

ابزار پژوهش

در این تحقیق از عوامل، روش‌ها و ابزارهای زیر استفاده شد:

۱- منابع قدرت: یعنی مدیر، معاون و معلم مستقیم در هر مدرسه به عنوان متغیر مستقل به ارائه دستور به صورت کتبی و شفاهی به آزمودنی‌ها عمل کردند.

۲- روشهای تقاضا یا دستوردهی: این ابزار روشهایی هستند که منابع قدرت طی آزمایش آنها را به عنوان متغیرهای مستقل وارد آزمایش کردند.

دستور کتبی: این دستور به صورت کتبی روی یک کاغذ نوشته شده و همراه چهل هزار ریال داخل یک پاکت به آزمودنی داده شد. «لطفا با پول داخل پاکت، یک بسته چای یک کیلوگرمی از نزدیکترین مغازه بخرید و نزد من بیاورید. همین الان این کار را بکنید.»

۱- برای کنترل و حذف مشکل سوگیری پژوهشگر، هر روز تعداد کمی آزمودنی مورد آزمایش قرار می‌گرفتند. همچنین با توجه به تعداد کم آزمودنی‌ها در هر مدرسه فرصتی برای کنجکاوی دانش‌آموزان وجود نداشت.

دستور شفاهی: این دستور همراه چهل هزار ریال به صورت شفاهی به آزمودنی ارائه شد: «لطفاً این پول را بگیرید و یک بسته چای یک کیلوگرمی از نزدیکترین مغازه بخرید و نزد من بیاورید. همین الآن این کار را بکنید.»

۳- برگه ثبت اطلاعات: این برگه شامل قسمتهای زیر است:

- بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها شامل مقطع تحصیلی، پایه تحصیلی، جنس و سن

- بخش اطلاعات متغیرهای مستقل شامل منبع قدرت دستوردهنده و شیوه ارائه دستور یا تقاضا

- بخش اطلاعات متغیرهای وابسته شامل اطلاعات مربوط به مشاهده رفتار آزمودنی پس از گرفتن دستور یا تقاضا و قسمت ثبت پاسخهای آزمودنی‌ها به سؤالاتی به شرح زیر که پس از مشاهده رفتار از آنها به صورت مصاحبه پرسیده شد.

- شما کلاس چندم هستید؟ (این سؤال به منظور برقراری ارتباط پرسیده می‌شود).

- لطفاً توضیح دهید که چرا این کار را انجام داده‌اید؟ (آزمودنی این سؤال را پاسخ می‌دهد چه دستور را اجرا کرده باشد و چه از انجام آن خودداری کرده باشد).

روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آزمون معناداری تفاوت بین دو نسبت مستقل استفاده شده است.

نتایج تحقیق

آزمایش در اردیبهشت ماه سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳ انجام گرفت. نمونه ۶۶۰ نفری از دانش‌آموزان مقاطع سه‌گانه تحصیلی مناطق ۳، ۷، ۱۰، ۱۲ و ۱۵ انتخاب شدند و با توجه به طرح و روش اجرای تحقیق در آزمایش شرکت داده شدند.

برگه‌های ثبت اطلاعات برای استخراج نتایج و طبقه‌بندی آنها در جدولهای اصلی

مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج زیر به دست آمد. باید گفت که بررسی پاسخهای

آزمودنیهای کلاسهای اول و دوم ابتدایی نشان داد که آنها هنوز بسیاری از مفاهیم کلامی

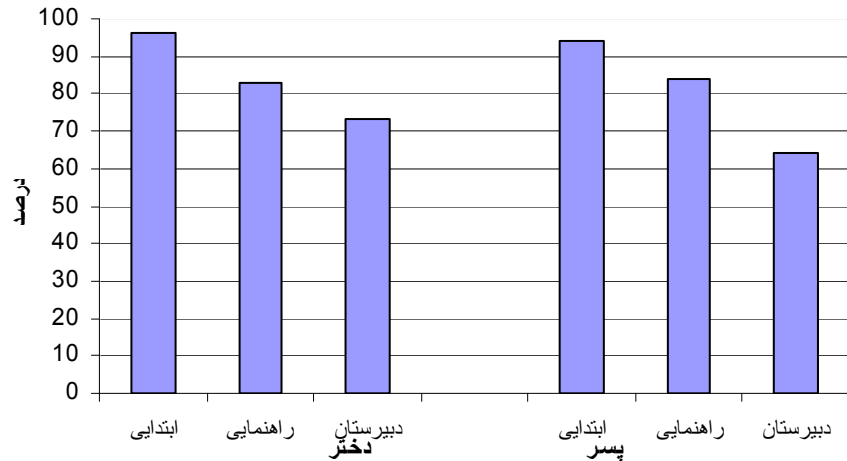
(به‌خصوص کتبی) را متوجه نمی‌شوند، به همین دلیل از تجزیه و تحلیل آماری حذف شدند.

جای جدول ۲





به منظور پاسخدهی توصیفی به سؤالات یا فرضیه‌های تحقیق جدول‌ها و نمودارهای زیر طراحی و ترسیم شد.



نمودار ۳- درصد اطاعت دانش‌آموزان دختر و پسر با توجه به مقاطع تحصیلی

نمودار ۲ نشان می‌دهد که بالاترین میزان اطاعت در دختران مقطع ابتدایی و پایین‌ترین آن در پسران مقطع دبیرستان است. ظاهر نمودار نیز نشان می‌دهد هر چه بر سن افراد (مقاطع تحصیلی) افزوده می‌شود، میزان اطاعت محض در هر دو جنس کاهش می‌یابد.

آزمودنی‌ها پس از خواندن و یا شنیدن درخواست منابع قدرت سه نوع رفتار نشان می‌دادند. پس از مشاهده و ثبت این رفتارها، آزمایشگر از آنها دو سؤال می‌پرسید. سؤال اول برای برقراری ارتباط با آزمودنی بود و کلاس دانش‌آموز را می‌پرسید. سؤال دوم این بود که «چرا این کار را انجام دادید؟» مجموع پاسخها، ثبت و مورد طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۳ نشان‌دهنده طبقات مختلف و فراوانی پاسخهای آزمودنی‌ها در پاسخ به سؤال پایانی آزمایشگر است.

جدول ۳- پاسخهای گفتاری آزمودنی‌ها به سؤال آزمایشگر

دلیل رفتار جنس	اطاعت محض	اطاعت نکردن محض	سرپیچی از تقاضا
دختران	- پذیرش حرف بزرگترها - کمک به مدرسه - قبول خواهش دیگران - علاقه به دستوردهنده - انجام کار اخلاقی - به دست آوردن دل دستوردهنده - انسان دوستی - مشارکت در امور مدرسه	- عدم درک درخواست - عدم علاقه به دستوردهنده - وجود مستخدم در مدرسه - عدم اعتماد به نفس - پاسخ ندادن به آزمایشگر	- ترس از خیابان - خجالت کشیدن - اجرای دستور خانواده مبنی بر بیرون رفتن از مدرسه - عدم علاقه به دستوردهنده - وجود مستخدم در مدرسه - عدم اعتماد به نفس - پاسخ ندادن به آزمایشگر
جمع	۸۴/۲۲۷ درصد	۳/۸ درصد	۱۳/۳۵ درصد
پسران	- پذیرش حرف بزرگترها - دوست داشتن دستوردهنده - انجام کار اخلاقی - انسان دوستی - مشارکت در امور مدرسه - حل مشکل به دست فرد	- عدم درک درخواست - عدم علاقه به دستوردهنده - وجود مستخدم در مدرسه - عدم اعتماد به نفس	- خجالت کشیدن - اجرای دستور خانواده مبنی بر بیرون رفتن از مدرسه - عدم علاقه به دستوردهنده - وجود مستخدم در مدرسه - عدم اعتماد به نفس
جمع	۸۱/۲۱۸ درصد	۴/۱۱ درصد	۱۵/۴۱ درصد

اطلاعات مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که:

- دختران بیشتر از پسران اطاعت محض داشته‌اند (۸۴ درصد در برابر ۸۱ درصد).
- پسران بیشتر از دختران اطاعت نکردن محض داشته‌اند (۴ درصد در برابر ۳ درصد).
- پسران بیشتر از دختران از اجرای دستور سرپیچی کرده‌اند (۱۵ درصد در برابر ۱۳ درصد).

استنباط آماری

۱- فرضیه ۱: آیا رفتار اطاعت محض از منابع مختلف قدرت در مدرسه متفاوت است؟
میزان اطاعت از معاون بین دانش‌آموزان ابتدایی با راهنمایی تفاوت معنادار داشت ($P < 0/05$)، همچنین از نظر میزان اطاعت از معاون بین دانش‌آموزان ابتدایی و دبیرستان تفاوت معناداری وجود داشت ($P < 0/01$)، اما بین دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان تفاوت معنادار نبود.

میزان اطاعت مستقیم از معلم بین دانش‌آموزان ابتدایی با راهنمایی تفاوت معنادار داشت ($P < 0/01$)، همچنین بین دانش‌آموزان ابتدایی و دبیرستان این تفاوت معنادار بود ($P < 0/01$)، بین دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان نیز تفاوت معنادار بوده است ($P < 0/05$).

میزان اطاعت از منابع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم) در مقطع ابتدایی بین دانش‌آموزان تفاوت معنادار نداشت ($P < 0/05$).

میزان اطاعت از مدیر و معاون مدارس راهنمایی تفاوت معناداری نداشت ($P < 0/05$)، همچنین تفاوت این میزان بین معاون و معلم در مقطع راهنمایی معنادار نبود ($P < 0/05$)، اما بین میزان اطاعت از مدیر و معلم مستقیم تفاوت معنادار بوده است ($P < 0/05$).

میزان اطاعت دانش‌آموزان از منابع قدرت مدیر و معاون در مقطع دبیرستان تفاوت معناداری نداشت ($P < 0/05$)، همچنین تفاوت میزان اطاعت مستقیم بین معاون و معلم در دبیرستان معنادار نبود ($P < 0/05$)، اما بین مدیر و معلم از نظر اطاعت در دبیرستان تفاوت معناداری وجود داشت ($P < 0/05$).

جدول ۴- نتایج آزمونهای معناداری فرضیه ۱

$Z_1 = 0/6$ ، $P < 0/01$	معنادار نیست	مدیر راهنمایی
$Z_2 = 3$ ، $P < 0/01$	معنادار است	مدیر ابتدایی، مدیر دبیرستان
$Z_3 = 2/14$ ، $P < 0/05$	معنادار است	مدیر راهنمایی، مدیر دبیرستان
$Z_4 = 2/17$ ، $P < 0/05$	معنادار است	معاون ابتدایی، معاون راهنمایی
$Z_5 = 3/14$ ، $P < 0/01$	معنادار است	معاون ابتدایی، معاون دبیرستان
$Z_6 = 1/13$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	معاون راهنمایی، معاون دبیرستان
$Z_7 = 3$ ، $P < 0/01$	معنادار است	معلم مستقیم ابتدایی، معلم مستقیم راهنمایی
$Z_8 = 4/75$ ، $P < 0/01$	معنادار است	معلم مستقیم ابتدایی، معلم مستقیم دبیرستان
$Z_9 = 2/5$ ، $P < 0/01$	معنادار است	معلم مستقیم راهنمایی، معلم مستقیم دبیرستان
$Z_{10} = 0$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	مدیر ابتدایی، معاون ابتدایی
$Z_{11} = 0$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	مدیر ابتدایی، معلم مستقیم ابتدایی
$Z_{12} = 0$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	معاون ابتدایی، معلم مستقیم ابتدایی
$Z_{13} = 1/6$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	مدیر راهنمایی، معاون راهنمایی
$Z_{14} = 2/14$ ، $P < 0/05$	معنادار است	مدیر راهنمایی، معلم مستقیم راهنمایی
$Z_{15} = 0/7$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	معاون راهنمایی، معلم مستقیم راهنمایی
$Z_{16} = 0/5$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	مدیر دبیرستان، معاون دبیرستان
$Z_{17} = 2/5$ ، $P < 0/05$	معنادار است	مدیر دبیرستان، معلم مستقیم دبیرستان
$Z_{18} = 1/78$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	مدیر دبیرستان، معلم مستقیم دبیرستان

۲- فرضیه ۲: آیا اطاعت محض از منابع قدرت مدرسه در دانش آموزان دختر و پسر

متفاوت است؟

میزان اطاعت دختران در مقایسه با پسران نسبت به منابع قدرت همسان (مدیر، معاون و معلم مستقیم) تفاوت معنادار نداشت ($P < 0/05$).

میزان اطاعت دختران هنگامی که مدیر و معاون دستور می‌دادند تفاوت معناداری نداشت ($P < 0/05$)، همچنین میزان اطاعت از معاون و معلم مستقیم نزد دختران تفاوت معناداری نداشت ($P < 0/05$)، اما بین میزان اطاعت دختران از مدیر و معلم مستقیم تفاوت معنادار بود ($P < 0/05$).

جدول ۵- نتایج آزمونهای معناداری فرضیه ۲

$Z_{19}=1$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر از مدیر، پسر از مدیر
$Z_{20}=0/08$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر از معاون، پسر از معاون
$Z_{21}=1/17$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر از معلم مستقیم، پسر از معلم مستقیم
$Z_{19}=0/35$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر از مدیر، دختر از معاون
$Z_{20}=2$ ، $P < 0/05$	معنادار است	دختر از مدیر، دختر از معلم مستقیم
$Z_{21}=0/33$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر از معاون، دختر از معلم مستقیم
$Z_{22}=0/4$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	پسر از مدیر، پسر از معاون
$Z_{23}=2/17$ ، $P < 0/05$	معنادار است	پسر از مدیر، پسر از معلم مستقیم
$Z_{24}=3/17$ ، $P < 0/05$	معنادار است	پسر از معاون، پسر از معلم مستقیم

۳- فرضیه ۳: آیا شیوه ارائه دستور یا تقاضا به وسیله منابع قدرت موجب تفاوت در رفتار اطاعت محض دانش‌آموزان می‌شود؟

میزان اطاعت دانش‌آموزان هنگامی که هر یک از منابع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم) به روشهای مختلف دستور می‌دادند (کتبی و شفاهی) معنادار نبوده است ($P < 0/05$).

میزان اطاعت دانش‌آموزان هنگامی که هر یک از منابع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم) به صورت کتبی دستور یا تقاضایی را ارائه می‌دادند تفاوت معناداری نداشت ($P < 0/05$).

میزان اطاعت دانش‌آموزان هنگامی که مدیر و معاون به صورت شفاهی دستور می‌دادند تفاوت معناداری نداشت ($P < 0/05$)، همچنین هنگامی که معاون و معلم مستقیم به صورت شفاهی دستور می‌دادند تفاوت معنادار نبود ($P < 0/05$)، اما میزان اطاعت دانش‌آموزان هنگامی که مدیر و معلم مستقیم به صورت شفاهی دستور می‌دادند تفاوت معنادار داشت ($P < 0/05$).

جدول ۶- نتایج آزمونهای معناداری فرضیه ۳

$Z_{25} = 0/4$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	کتبی - مدیر، کتبی - معاون
$Z_{26} = 1/8$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	کتبی- مدیر، کتبی - معلم مستقیم
$Z_{27} = 0$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	کتبی - معاون، کتبی - معلم مستقیم
$Z_{28} = 0/8$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	مدیر- کتبی، مدیر- شفاهی
$Z_{29} = 1/67$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	معاون- کتبی، معاون- شفاهی
$Z_{30} = 0/1$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	معلم مستقیم - کتبی، معلم مستقیم - شفاهی
$Z_{31} = 0/2$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	شفاهی - مدیر، شفاهی - معاون
$Z_{32} = 2/4$ ، $P < 0/05$	معنادار است	شفاهی - مدیر، شفاهی - معلم مستقیم
$Z_{33} = 0/73$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	شفاهی- معاون، شفاهی- معلم مستقیم

۴- فرضیه ۴: آیا شیوه ارائه دستور یا تقاضا در میزان رفتار اطاعت محض در دانش‌آموزان مقاطع مختلف متفاوت است؟

میزان اطاعت دانش‌آموزان از دستور کتبی در مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی با یکدیگر تفاوت معنادار داشت ($P < 0/05$)، همچنین بین مقاطع تحصیلی ابتدایی و دبیرستان و راهنمایی و دبیرستان نیز تفاوت معناداری وجود داشت ($P < 0/05$). میزان اطاعت دانش‌آموزان از دستور شفاهی در مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی با یکدیگر تفاوت معنادار داشت ($P < 0/05$)، همچنین بین مقاطع تحصیلی ابتدایی و دبیرستان نیز تفاوت معنادار بوده است ($P < 0/05$)، اما این میزان بین مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان تفاوت معنادار نبوده است ($P < 0/05$).

جدول ۷- نتایج آزمونهای معناداری فرضیه ۴

$Z_{34} = 2/2$ ، $P < 0/05$	معنادار است	ابتدایی- کتبی، راهنمایی- کتبی
$Z_{35} = 0$ ، $P < 0/01$	معنادار است	ابتدایی - کتبی، دبیرستان - کتبی
$Z_{36} = 3/17$ ، $P < 0/01$	معنادار است	راهنمایی - کتبی، دبیرستان - کتبی
$Z_{37} = 2/6$ ، $P < 0/01$	معنادار است	ابتدایی - شفاهی، راهنمایی - شفاهی
$Z_{38} = 4/6$ ، $P < 0/01$	معنادار است	ابتدایی - شفاهی، دبیرستان - شفاهی
$Z_{39} = 1/67$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	راهنمایی - شفاهی، دبیرستان - شفاهی
$Z_{40} = 0/2$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	ابتدایی - کتبی، ابتدایی - شفاهی
$Z_{41} = 0$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	راهنمایی - کتبی، راهنمایی - شفاهی
$Z_{42} = 1/3$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دبیرستان - کتبی، دبیرستان - شفاهی

۵- فرضیه ۵: آیا میزان اطاعت محض به دلیل شیوه ارائه دستور یا تقاضا در دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است؟

میزان اطاعت از دستور کتبی بین دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار داشت ($P < 0/05$)، اما این میزان هنگامی که دستور شفاهی داده می شد، تفاوت معنادار نداشت ($P < 0/05$).

میزان اطاعت در دانش آموزان دختر هنگامی که روش ارائه دستور یا تقاضا تغییر می کرد، تفاوت معنادار نداشت ($P < 0/05$)، اما هرگاه روش ارائه دستور تغییر می کرد، میزان اطاعت در دانش آموزان پسر تفاوت معنادار داشت ($P < 0/05$).

جدول ۸- نتایج آزمونهای معناداری فرضیه ۵

$Z_{43} = 2$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر - کتبی، پسر - کتبی
$Z_{44} = 1/25$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر - شفاهی، پسر - شفاهی
$Z_{45} = 1$ ، $P < 0/05$	معنادار است	دختر - کتبی، دختر - شفاهی
$Z_{46} = 2/2$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	پسر - کتبی، پسر - شفاهی

۶- فرضیه ۶: آیا رفتار اطاعت محض در دانش‌آموزان دختر و پسر مقاطع مختلف متفاوت است؟ میزان اطاعت دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) با عامل جنس (دختر، پسر) تفاوت معنادار نداشت ($P < 0/05$).

میزان اطاعت دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی با راهنمایی تفاوت معنادار داشت ($P < 0/01$)، همچنین میزان اطاعت دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی با دبیرستان تفاوت معنادار داشت ($P < 0/01$)، اما این میزان بین دانش‌آموزان دختر در مقطع راهنمایی با دبیرستان معنادار نبود ($P < 0/05$).

میزان اطاعت دانش‌آموزان پسر در تمام مقاطع تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) با یکدیگر تفاوت معنادار داشت. بین دانش‌آموزان پسر مقاطع ابتدایی و راهنمایی تفاوت در سطح ($P < 0/05$) و بین بقیه مقاطع در سطح ($P < 0/01$) معنادار بوده است.

جدول ۹- نتایج آزمونهای معناداری فرضیه ۶

$Z_{47} = 0/07$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر - ابتدایی، پسر - ابتدایی
$Z_{48} = 0/2$ ، $P < 0/05$	معنادار نیست	دختر - راهنمایی، پسر - راهنمایی
$Z_{49} = 1/28$ ، $P < 0/05$	معنادار است	دختر - دبیرستان، پسر - دبیرستان
$Z_{50} = 2/6$ ، $P < 0/01$	معنادار است	دختر - ابتدایی، دختر - راهنمایی
$Z_{51} = 4/6$ ، $P < 0/01$	معنادار نیست	دختر - ابتدایی، دختر - دبیرستان
$Z_{52} = 1/67$ ، $P < 0/05$	معنادار است	دختر - راهنمایی، دختر - دبیرستان
$Z_{56} = 1$ ، $P < 0/05$	معنادار است	پسر - ابتدایی، پسر - راهنمایی
$Z_{53} = 2$ ، $P < 0/05$	معنادار است	پسر - ابتدایی، پسر - دبیرستان
$Z_{54} = 5$ ، $P < 0/01$	معنادار است	پسر - راهنمایی، پسر - دبیرستان

۷- فرضیه ۷: آیا رفتار اطاعت محض در دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است؟ میزان اطاعت در دانش‌آموزان دختر و پسر با یکدیگر تفاوت معنادار نداشت ($P < 0/05$). بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم تفاوت‌های مشاهده شده در میزان اطاعت بین دختران و پسران دانش‌آموز تصادفی بوده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمونهای معناداری فرضیه ۷

دختر - پسر	معنادار نیست	$Z_{55} = ۳/۳۳$ ، $P < ۰/۰۱$
------------	--------------	------------------------------

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

برای بررسی و مقایسه اثر سه منبع قدرت (مدیر، معاون و معلم مستقیم) در مدرسه روی اطاعت محض دانش آموزان، جامعه دانش آموزان شاغل به تحصیل مناطق بیستگانه آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ در نظر گرفته شدند. مجموع افراد نمونه ۶۶۰ نفر بودند که در خلال آزمایش میدانی تعداد ۱۲۰ نفر آنها به دلیل عدم درک درخواستها که به صورت کتبی و شفاهی ارائه می شد، از آزمایش حذف شدند.

آزمایش به این صورت اجرا می شد که هر یک از منابع قدرت در هر سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به هر دو جنس دختر و پسر به دو روش کتبی و شفاهی، دستوری را ارائه می دادند و پس از آن آزمایشگر به ثبت رفتارها می پرداخت. در پایان آزمایشگر از آزمودنی ها سؤال می کرد که دلیل انجام رفتاری که انجام داده اند چه بوده است.

اطلاعات به دست آمده با استفاده از بسته آماری برای علوم اجتماعی مورد توصیف و استنباط آماری قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

۱- دانش آموزان کلاسهای اول و دوم مقطع دبستان پس از دریافت دستورات کتبی با سؤالاتی که می پرسند نشان دادند که مفاهیم کلامی کتبی را متوجه نشدند، بدین ترتیب ضمن حذف شدن از جریان آزمایش این نتیجه نیز به دست آمد که دستور کتبی برای آنها اهمیتی نداشت و اثری در رفتار آنها نمی گذاشت.

۲- اکثریت افراد هر دو جنس از تقاضاهای کتبی و شفاهی منابع قدرت اطاعت می کردند.

۳- دختران بیشتر از پسران از دستورات منابع قدرت اطاعت می کردند، اما تفاوت مشاهده شده تصادفی بوده است، بنابراین جنسیت در میزان اطاعت از منابع قدرت اثر معناداری نداشت.

۴- افراد از مدیر بیشتر از معاون و از معاون بیشتر از معلم مستقیم اطاعت می کردند. این مسأله در دانش آموزان ابتدایی به چشم می خورد، اما تفاوت معنی داری در نسبتهای آنها وجود نداشت با افزایش سن، این مسأله مشهودتر می شد یعنی تفاوت نسبتها بین دانش آموزان ابتدایی با راهنمایی و بالاتر مشخص تر بوده است. بدین ترتیب سلسله مراتب

قدرت در ذهن افراد به نحو مقتضی جای می‌گیرد و در فرایند اجتماعی شدن، افراد به اقتدار در سلسله‌مراتب قدرت پی می‌برند و رفتار خود را با آنها مطابقت می‌دهند.

۵- دستورات کتبی بیشتر از دستورات شفاهی روی دختران مؤثر بوده است و در مورد پسران دستورات شفاهی تأثیر بیشتری داشت، ولی این تأثیر از نظر آماری معنادار نبود.

۶- میزان اطاعت افراد از منابع قدرت، با افزایش سن (مقطع تحصیلی) به طور معنادار کاهش می‌یافت. این مورد به‌خصوص در رابطه با مدیر و معلم مستقیم به وضوح ثابت شد. بدین ترتیب هرچه بر سن افراد افزوده می‌شد، در رابطه با اطاعت خود از منابع قدرت بیشتر سؤال می‌کردند که آیا درخواست را اطاعت کنند یا نه؟ همچنین میزان تمرد نیز افزایش می‌یافت.

۷- میزان نسبت اطاعت جنس‌های مختلف از منابع قدرت تفاوت معناداری با یکدیگر نداشت.

۸- با افزایش سن تفاوت‌های معناداری در رفتار اطاعت محض، هنگامی که دستور به صورت کتبی ارائه می‌شد، به وجود می‌آمد. اما این تفاوت در دستور شفاهی معنادار نبود و بدین ترتیب اثر رسمی بودن و کتبی بودن درخواست بیشتر بوده است.

۹- کتبی بودن دستور یا تقاضا تفاوت‌های معناداری در رفتار دو جنس پدید می‌آورد. اما دستور شفاهی روی رفتار دختران و پسران اثر معنادار نداشت.

۱۰- در هر جنس بین مقطع ابتدایی و راهنمایی تفاوت معناداری در میزان اطاعت وجود داشت اما پس از آن با تغییر محسوسی روبه‌رو نشدیم.

۱۱- پذیرش حرف بزرگترها، کمک به مدرسه، قبول خواهش دیگران، دوست داشتن دستوردهنده، انجام یک رفتار اخلاقی، به دست آوردن دل دستوردهنده، انسان‌دوستی، مشارکت در امور مدرسه، حل مشکل به دست شخص از دلایل اطاعت محض به شمار می‌رفت.

۱۲- عدم درک یک درخواست یا تقاضا و دوست نداشتن فرد دستوردهنده در افراد تردید و دودلی نسبت به اجرای تقاضا ایجاد می‌کند. همچنین میزان اقتداری که برای یک منبع قدرت قایل هستیم، رفتار ما را در مطابقت با تقاضاهای وی تحت تأثیر قرار می‌دهد. دلایل زیر در سرپیچی از تقاضا به دست آمدند: ترس از خیابان، خجالت کشیدن، اجرای دستور خانواده مبنی بر بیرون رفتن از مدرسه، بی‌علاقگی به فرد دستوردهنده، وجود افرادی که وظیفه اجرای دستور را دارند (مستخدم) و عدم اعتماد به منابع قدرت. آزمایش میدانی به عمل آمده سؤالات تحقیق را به صورت زیر پاسخ می‌دهد:

۱- بین منابع قدرت مدرسه در رفتار اطاعت محض دانش‌آموزان مقاطع مختلف تفاوت وجود دارد. این تفاوت بیشتر از هر چیز در اطاعت از مدیر نسبت به معاون و معلم

مستقیم دیده می‌شود. بنابراین بالاترین مقام اثر بیشتری در دستوردهی و یا تقاضای یک رفتار از افراد را دارد.

۲- بین منابع قدرت مدرسه در رفتار اطاعت محض دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود ندارد. تفاوت مشاهده شده بیشتر نشان‌دهنده تمرد بیشتر در پسرهاست، ولی این تفاوت معنادار نیست.

۳- شیوه ارائه دستور در اجرای تقاضا تفاوت معناداری در منابع قدرت نشان می‌دهد. به طوری که هرگاه دستور به صورت کتبی باشد، افراد به طور معناداری اطاعت بیشتر نشان می‌دهند. حال اگر این نوع دستور را مدیر داده باشد، بالاترین میزان اطاعت محض را خواهیم داشت.

۴- شیوه ارائه دستور در مقاطع مختلف تغییر معناداری در رفتار اطاعت محض تولید نمی‌کند. بدین معنی که دستور چه به صورت کتبی باشد چه به صورت شفاهی در اطاعت محض دانش‌آموزان ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تغییر محسوس تولید نمی‌کند.

۵- بین شیوه‌های ارائه دستور یا تقاضا در رفتار اطاعت محض کل دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین عامل جنس در اطاعت محض مؤثر نیست.

۶- بین مقاطع مختلف یک جنس در رفتار اطاعت محض دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی هر چه بر سن افراد افزوده می‌شود، رفتار اطاعت محض آنها به میزان معناداری کاهش می‌یابد. این میزان معنادار بین مقطع ابتدایی با راهنمایی و دبیرستان بیشتر از میزان تفاوت بین مقاطع راهنمایی با دبیرستان است.

۷- بین جنس‌های مختلف در رفتار اطاعت محض تفاوت معنادار وجود ندارد.

منابع

ارونسون، الیور. (۱۹۸۴)، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، (۱۳۶۶)، چاپ سوم، تهران، انتشارات رشد.

پورمقدس، علی. (۱۳۶۷)، *روان‌شناسی اجتماعی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات مشعل.

کریمی، یوسف. (۱۳۸۰)، *روان‌شناسی اجتماعی*، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

کریمی، یوسف. (۱۳۸۰)، *روان‌شناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها*، ویرایش سوم، چاپ نهم، تهران، نشر ارسباران.

گتزلر، جی دبلیو و همکاران. (۱۹۹۳)، روان‌شناسی اجتماعی، تعلیم و تربیت، ترجمه یوسف کریمی، (۱۳۷۸)، ویرایش دوم، چاپ سوم، تهران، مؤسسه نشر ویرایش.

Feldman, R. S. (2001). "Social Psychology", Third Edition– prentice Hall.

Gilbert, S. J. "Another look at the Milgram obedience studies" . The Role of the Graduated Series of Shocks. Published by state University College Oneonta, NY.

- [http:// www.Persnality and Social psychology Bulletin.com](http://www.Persnality and Social psychology Bulletin.com)

Marshall, M. (2002). "Discipline without stress ,Punishments or Rewards". How leaders, teachers, and learning. Published by the Gazette on teachers. Net. - <http:// www.Marvinmarshall.com>

Milgram. S. (1974). "Obedience to authority", New Yourk, Published by Harper and ROW. -<http:// www.Social psychology.com>

Myers, D.G. (1988). "Social Psychology", Second edition, New York, Mcgrawhill.

- <http:// www.Social psychology.com>



تاریخ وصول: ۸۵/۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۲۱

